

کتیبه پهلوی سلوک، داور کابل

تورج دریایی

استاد تاریخ باستان

دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فولر تن

در سال ۱۸۱۱ میلادی، مستشرق معروف، سرویلیام اوزلی^۱ برای اولین بار کتیبه‌هایی را در تخت جمشید شناسایی کرد که به زبان فارسی میانه از زمان شاهنشاهی شاپور دوم به جای مانده بود. او این کتیبه‌ها را در کتاب خواندنی خود سفرهای ایران گنجانده (اوزلی، ۱۸۱۰: لوح ۱۳).

اولین عکس کتیبه در فاصله سال‌های ۱۸۷۹-۱۸۷۰ در کتاب استولز^۲ به نام پرسپولیس: بناهای تاریخی و کتیبه‌های هخامنشی و ساسانی چاپ شد.^(۱) اما هرتسفلد^۳ بود که با چاپ عکس و آوانویسی آن کتیبه نشان داد که متعلق به سلوک، داور کابل، است (هرتسفلد، ۱۹۲۴: لوح ۱۲). از روی عکسی که هرتسفلد برای نیبرگ^۴ فرستاده بود، این دانشمند سوئدی توانست قرائتی بهتر در کتاب راهنمای پهلوی خود انجام دهد (نیبرگ، ۱۹۶۴: ۱۲۶). اما کسانی که با زبان پهلوی سر و کار دارند، می‌دانند که همیشه می‌توان در متن‌های پهلوی نکاتی تازه یافت و قرائت‌های متفاوت به عمل آورد. دلیل دیگر برای قرائت تازه این کتیبه از آنجا است که عکس معمولاً بهترین

1. Sir William Ouseley

2. F. Stolze

3. E. Hertzfeld

4. H. S. Nyberg

نمونه برای مطالعه کتیبه‌های پهلوی نیست. در سال ۱۹۵۷، دانشمند بزرگ آلمانی، هنینگ^۱، قالب‌هایی را که با مشتق از آنها گرفته بود، در انگلستان به چاپ رساند (کتیبه نقش رستم، ۱۹۵۷: لوح LXXXV و LXXXVI). اولین بار، فرای^۲ از این قالب‌های کتیبه استفاده کرد و در سال ۱۹۶۶، دو کتیبه در تچره را به افتخار بار^۳ آوانویسی و ترجمه کرد (فرای، ۱۹۶۶: ۹۴-۸۳). نظریات فرای در این مقاله بسیار مهم است؛ و دانشمندان خارجی که با این کتیبه سر و کار داشته‌اند، به کار فرای استناد کرده‌اند. بک^۴ نیز ترجمه‌ای به آلمانی از این کتیبه‌ها کرده که در سال ۱۹۷۸ به چاپ رسیده است (بک، ۱۹۷۸: ۴۹۷-۴۹۵). در ایران، اخیراً سعید عریان این کتیبه را آوانویسی و ترجمه کرده است؛ البته بی‌آنکه به کار فرای و یا قالب کتیبه کار هنینگ نظر بیندازد (عریان، ۱۳۸۲: ۱۵۹-۱۵۶).

به همین دلیل در این مقاله، این کتیبه که متعلق به سلوک، داورکابل، بوده، دوباره آوانویسی، حرف‌نویسی و به همراه تعلیقاتی ترجمه شده است.

موضوع کتیبه، سفر سلوک - قاضی شهرهای جاویدشاپور و کابل - به دربار شاپور دوم است. زمان این سفر بنا به ترجمه فرای، بک و بنده، ۳۲۷/۸ میلادی بوده، چون شاپور دوم در سال‌های ۳۷۹-۳۰۹ میلادی حکومت می‌کرده و این کتیبه در سال هجدهم سلطنت وی نوشته شده است. این کتیبه از این جهت مهم است که در آن نشان داده شده است که کابل و مناطق مجاور آن، بخشی از شاهنشاهی ساسانی بوده است. به گزارش سلوک، زمانی که وی به تخت جمشید رسید، دستور داد که کتیبه دیگری را که سکانشاه در تچره به جای گذاشته بود، بررسی کنند. پس از شرح بازدید آن، در کتیبه سلوک شاپور دوم و نیز شاپور سکانشاه ستایش شده‌اند. در پایان سلوک از خداوند درخواست می‌کند که سفری سلامت و دور از گزند به دربار و سپس به منزل خود داشته باشد.

چند نکته دستوری جالب در این متن وجود دارد که شروو^۵ درباره آن نظر داده است. این نکته‌هایی است که به ترجمه این کتیبه کمک می‌کند (شروو، ۱۹۸۳؛ جلد ۱:

1. W. B. Henning
3. K. Barr
5. O.P. Skjærvø

2. R. N. Frye
4. M. Back

۴۷-۶۲؛ جلد ۲: ۱۸۱-۱۵۱). برای مثال، استفاده از اضافه در سطر پنجم: šhpwhry ZY
'MLK'n MLK' و نیز جمع 'LHY'n برای شاپور.

ترجمه

- ۱) تیر ماه، در سال ۱۸، روز اورمزد (است) که من سلوک
- ۲) داور (= قاضی) جاوید شاپور و کابل به صدستون آمدم
- ۳) این نامه (= کتیبه) که بالا نوشته شده است که شاپور
- ۴) سکانشاه فرمود نوشته شود، من فرمودم بررسی شود.
- ۵) آنگاه آفرین (= دعا) کردم که شاپور شاهنشاه، بهترین مردان، انوشه (= بی مرگ) (باشد)
- ۶) و حکومتی جاویدان داشته باشد، و شاپور سکانشاه را زندگی طولانی (باشد) و همیشه
- ۷) عملی انجام دهد که یزدان و شاپور شاهنشاه را خوب به نظر آید، و نیز من، بنده
- ۸) اینچنین کنم که یزدان و ایشان بغان (= اعلیحضرت)، شاپور شاهنشاه را عمل نیک به نظر آید
- ۹) و از اینجا سلامت به دربار ایشان بغان (= آن اعلیحضرت) رسم، و او بغان (= اعلیحضرت)
- ۱۰) شاپور شاهنشاه را به پارسایی و سلامتی بینم، و دوباره به پارسایی به سلامت
- ۱۱) به کابل آیم.

بررسی متن

۱. عربان طبق نسخه برداری هرتسفلد و نیبرگ، سال را ۶۸ خوانده است. اما قالب‌های تازه تر نشان می‌دهد که جا برای نوشتن سه عدد بیست وجود ندارد و فقط یک ده در آن می‌گنجد.
۲. نیبرگ: کلمه اول خط دوم را نام خاص، به صورت stšhpwhry می‌خواند و

عریان آن را [1]stšhpwhry قرائت کرده است، در صورتی که آن را می‌توان
عریان y'wyt šhpwhry یعنی «جاوید شاپور»، نام شهر و مکانی خواند. این قرائت از فرای
است. کلمه k'wl که کابل خوانده شده کاور نیز قرائت شده است.

۴. عریان این کلمه را که ptpwrsyt نوشته شده است، pahipursid خوانده و آن را
«خواندن» ترجمه کرده است. حال آنکه ما در اینجا آن را به صورت «بررسی کردن»
ترجمه کرده‌ایم.

۶. عریان برحسب قرائت نیبرگ و خودش W y'wyt BYN štry را به صورت «و
جاوید باد اندر شهر» ترجمه کرده است. حال آنکه y'wyt قرائت فرای و برحسب
قالب‌های هنینگ است. نیبرگ کلمه را wy'k (= جای) خوانده است. در کتیبه BYN
یافت نمی‌شود و برای همین y'wyt štry باید «حکومت جاوید، دارای شهریاری
جاودانه» ترجمه شود.

۷. کلمه آخر سطر ۷ طبق قرائت نیبرگ WBYN و بنابر قرائت عریان HBYR
است، حال آنکه به نظر می‌رسد 'BDY برای 'BDK به معنی «بنده» باشد.

۸-۹. عریان 'LH'n و 'LH' را در سطر ۸ «خدایگان» و در سطر ۹ «اعلیحضرت»
ترجمه کرده است. ما هر دو 'LH' را به صورت «بغ» ترجمه کرده‌ایم.

- 1) BYRH tyr MDM ŠNT XVIII YWM 'whrmzdy 'MT 'NH stwky ZY
māh Tīr abar sāl 18 rōz Ohrmazd ka az Selūk ī
- 2) [y]wyt šhpwhry W k'wly d'twbr 'L ststwny Y'TWN HWHm
Jāwēd-Šābuhr ud Kāwul dādwar ō sad-stūn āmad hēm
- 3) 'Pm HN' n'mky MḤ MN MDM npšty YK'YMWN MḤ šhpwhry ZY
u-m ēd nāmag čē az abar nibišt ēstēd čē Šābuhr ī
- 4) sk'n MLK' prm't ynpštny 'Pm prm'ty ptpwrsyt 'Pm
Sakān-šāh framād nibištān u-m framād pad-pursid u-m
- 5) 'pryny krty 'YK šhpwhry ZY MLK'n MLK' GBR'n p'rswny 'nwšky
āfrīn kard kū Šābuhr ī šāhān šāh mardān pārsom anōšag
- 6) W y'wyt štry YHWWNt W šhewhry ZY sk'n MLK' 'RYK YHW't W hmyw
krty
ud jāwēd šahr bawād ud Šābuhr ī Sagān-šāh dāgr ziwād ud hamēw kard
- 7) 'BYDWNt MḤ yzd'n W šhewhry ZY MLK'n MLK' hwpy MDMḤt W
'NHc 'BDy

کتیبه پهلوی سلوک، داور کابل ۵۱

kunād čē yazdān ud Šābuhr ī šāhān šāh xūb sahēd ud az-iz bandag

8) [H]N' krty 'BYDWNn MḤ yzd'n W 'LḤšn 'RHY'n šhpwhry ZY MLK'n
MLK' krpky

ēd kard kunān čē yazdān ud ōyšān bayān Šābuhr ī šāhān šāh kirbag

9) [MDM]Ḥt W MN TNḤ drwdst pr'c 'L BB' ZY 'LḤšn 'RHY'n
YHMTWNn W 'LḤ 'RḤY'

sahēd ud az ēdar drust frāz ō dar ī ōyšān bayān rasān ud ōy bay

10) [š]hpwhry ZY MLK'n MLK' PWN krpkyhy (W) drwdst HZYTNn W
TWB PWN krpkyhy drwdst

Šābuhr ī šāhān šāh pad kirbagīh ud drust wēnān ud did pad kirbagīh drust

11) [']L k'wly Y'TWNn

ō Kāwul āyān

پی نوشت

1. F. Stolze, Die achaemenidischen und sasanidischen Denkmäler und Inschriften von Persepolis, Istakhr, Shāpūr zum erstenmal photographisch aufgenommen von F. Stolze im Anschluss an die epigraphisch-archäologische Expedition in Persien von F.C. Andreas, 1882.

کتابنامه

عریان، سعید. ۱۳۸۲. کتیبه‌های ایرانی میانه. تهران: میراث فرهنگی.

Back, M. 1978. *Die Sassanidischen Staatsinschriften*. Acta Iranica 18, E. J. Brill, Leiden.

Frye, R.N. 1966. "The Persepolis Middle Persian Inscriptions from the Time of Shapur II", *Acta orientalia*, vol. 30.

Herzfeld, E. 1924. *Paikuli*, plate 12.

Nyberg, S.H. 1964. *A Manuel of Pahlavi*, Otto Harrassowitz, Wiesbaden.

Ouseley, Sir. William. 1810. *Travels in Persia*. vol. II.

Skjærvø, P.O. 1983. "Case in Inscriptional Middle Persian, Inscriptional Parthian and Pahlavi Psalter", *Studia Iranica*, fasc 1 & 2.

The Inscription of Naqš-i Rostam, Corpus Inscriptionum Iranicarum, Part III, Pahlavi Inscriptions, London.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی